



دانشگاه پشاور
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

فمنیسم در آثار شهرنوش پارسی پور

استاد راهنما:

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ

استاد مشاور:

دکتر محمد بارانی

تحقیق و نگارش:

محمد رضا چراغی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

تیر ۱۳۹۰

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان **فمنیسم در آثار شهرنوش پارسی پور** قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو **محمد رضا چراغی** تحت راهنمایی استاد پایان نامه **دکتر مریم خلیلی جهانتیغ** تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

محمد رضا چراغی

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر مریم خلیلی جهانتیغ	
استاد مشاور:	دکتر محمد بارانی	
استاد داور:	دکتر محمود عباسی	
استاد داور:	دکتر عبدالعلی اویسی کهخا	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر روح الله شیرازی	



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محمدرضا چراغی تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمدرضا چراغی

امضاء

در دنیا مردانی بودند که به آنها الهام می شد. اینان در شکم زنانی رشد می کردند که پاکیزه خو و نجیب بودند، مثل مریم عذرا. این پسر آدم در آغوش زنان پرورده می شد، لاجرم بار اصلی بر دوش زنان بود، اما اگر می خواستند بیشتر بدانند البته می توانستند.

پارسی پور

حاصل این پژوهش بخشی از مطالعات شبانام بود در عرصه ادبیات، تاریخ، معارف، حقوق، روانشناسی، باستانشناسی، جامعه شناسی و... و آن را تقدیم می کنم به:

مادر مهربان و هنرمندم

باشکر از استاد راهنما، خانم دکتر مریم خلیلی جهاتینج و استاد مشاور، دکتر بارانی

و دیگر استادانی که بنده را در پیشبرد رساله کارشناسی ارشد و کار تالیف و تحقیق یاری کرده‌اند.

و همچنین از:

بمسرم که سختی‌های راه را برایم هموار نمود،

خانواده‌ام بخصوص برادرانم علی و مرتضی،

خانز فرسنگ و انجمن‌های ادبی کشور،

کانون داستان‌نویسان استان‌ها،

و دوستانی به‌مخلم در این زمینه که به هر نحو در جمع‌آوری منابع دور و نزدیک، کمک‌حال بنده بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

مادری را دیدم که سالها در ذهن روزگار مُرده به نظر می آمد. تنها و تکیده، در خانه ای خاموش، در گوشه ای از این دنیای به ظاهر بزرگ، تنورش را روشن می کرد. مهربان و بی ادعا شکر خدا می گفت و سلامتی را برای دور و نزدیک آرزو داشت. فرزندانش در شهر بودند و هر یک مادر و پدری کم و بیش دلسوز. بارها در سفرها و حضرها، این انسانها را می شناختم که مرا به یاد مادران و مادربزرگان خودمان می انداخت. مرا به سرزمین آرزوهای پوسیده شان می برد. دوست داشتم تا بدانم و بپرسم، بودنشان چه رنگی دارد؟ چه دیده اند و چه می خواستند؟

گاهی دو تصویر رفاه زده‌ی متکلف، با زنان بی خبر از حقوق بشر، در جلوی چشمم مجسم می شد و افسوس که صدای «من کیستم»، «آیا من هستم و می‌اندیشم» از دهان زنان مقتدر تجمل‌گرای به دوران رسیده شنیده می شد. ای کاش کسی هم نام گذشته و مادران پا بسته را به زبان می آورد که عمرشان را در پای گهواره، در حالی که از خوشی در بدبختی و بی سوادگی و فقر سپری کردند.

سخنم جبهه ای در مقابل مردان و پدران نمی گیرد، ولی آیا فمینیسم، سهم این مادران نبود که حتی حق کوچک خود را از زندگی نداشتند؟ این موجوداتی که فکر کردن برایشان ممنوع بوده است، بر اثر رفتارهای گوناگون، مورد تهمت، آزار و انتقاد قشری قوی تر قرار می گرفتند. یعنی:

دردی است غیر مردن کآن را دوا نباشد پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن

حرفی که من می خواهم بگویم، بازتاب خیال گذشته ای است از مادران ساده دل ایرانی در روزگار قدیم و جدید، شهری و روستایی؛ نه زنان هر ناکجا. روی سخنم نه هر زن ایرانی است، زنانی که قدردان زحمات گذشته‌ی خویشند و آنها را خوب می شناسند. اینان زحمت کشان بی مزد که گویی بار سنگین هزاران ساله ای، به دوش زندگیشان به اجبار یا به اختیار حمل می شود.

گویند مرا چو زاد مادر	پستان به دهان گرفتن آموخت
شبها بر گاهواره‌ی من	بیدار نشست و خفتن آموخت
دستم بگرفت و پا به پا برد	تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت ^(۱)

^(۱) - ادوارد براون با آوردن این قطعه ایرج میرزا را در آغاز جلد ۴ تاریخ ادبی ایران، به یاد محبتها و برای تشکر از مادرش، کتاب را به او تقدیم نموده است.

چکیده

فمینیسم، جنبشی است که برای نخستین بار در اروپا پدید آمد و در مسیر حرکت خود به شاخه های گوناگونی تقسیم گردید. اگر چه در طول تاریخ با نقطه تاریکی در این زمینه روبرو هستیم، اما اولین جرقه های دفاع از حقوق زنان در ایران را در انقلاب مشروطه می بینیم.

مردانی که روایتگر اوضاع زندگی زنان بودند، به هیچ وجه نتوانستند چهره واقعی یک زن را در بیان خواسته ها، اندیشه ها و احساسات او به تصویر بکشند. در نتیجه با ورود زنان در عرصه نویسندگی و خلق آثار برجسته ای درباره وضعیت خود، مسیر دیگری را طی کرده و بیش از پیش به مراتب بالاتری نائل آمدند. یکی از این زنان، شهرنوش پاریسی پور است.

در این پژوهش به بررسی آثار شهرنوش پاریسی پور پرداخته شده است که در کنار نوشته ها و گفته های زنان همفکر و هموطن خود، طرح تازه ای می اندازد و تقریباً در تمام آثارش حتی ترجمه ها، آنها را عنوان می کند. در بررسی آثار شهرنوش پاریسی پور، به بحث در مسائلی پرداخته می شود که برخی از آنها در آثار زنان نویسنده مطرح شده و بعضی دیگر حاصل اندیشه و توجه خود اوست.

این مجموعه ای است در باب دیدگاه های نظری و عملی برخورد با زنان و مادران در فرهنگ ایران و جهان، و به اتکای روشهای بررسی مکتب فمینیسم و نقد عناصر فمینیستی، شواهد مستند و روشنگر که از لابه لای متون و منابع اصیل تاریخی و ادبی استخراج شده اند، موقعیت و منزلت زنان را از نگاه خواص و عوام نشان دهیم و به تحلیل های جامعه شناسانه و مردمی و پیشینه ها و مثالهای برجسته در این باره نیز اشاره هایی بکنیم. کوشیده شده علاوه بر نشان دادن نوع اندیشه فمینیستی شهرنوش پاریسی پور، آفرینش قهرمانان زن در آثار او را با آفرینش قهرمانان در آثار دیگر زنان داستان نویس و همچنین نویسندگان مرد بسنجیم و جنبه های شباهت و تفاوت و نقاط ضعف و قوت را دریابیم.

واژگان کلیدی: فمینیسم، شهرنوش پاریسی پور، زن، رمان، داستان، ادبیات معاصر، نقد فمینیستی، نقد ادبی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه:
۸	فصل اول: مکتب فمینیسم و شاخه های آن.....
۹	فمینیسم و مکتب آن.....
۱۱	تاریخچه و تعریف فمینیسم.....
۱۴	امواج فمینیسم.....
۱۴	موج اول.....
۱۴	مختصات موج اول.....
۱۶	موج دوم.....
۱۸	مختصات موج دوم.....
۱۹	موج سوم و پسا فمینیسم.....
۲۰	مختصات موج سوم.....
۲۱	شاخه ها و نگرشهای فمینیسم.....
۲۲	فمینیسم لیبرال.....
۲۳	فمینیسم آمازون.....
۲۴	فمینیسم مارکسیستی.....
۲۵	فمینیسم سوسیالیستی.....
۲۶	فمینیسم رادیکالی.....
۲۷	فمینیسم سیاه و استعمارگری مضاعف (هویت فرهنگی).....
۲۸	فمینیسم پسا ساختارگرا.....
۲۹	فمینیسم مدرن و پست مدرن.....
۳۰	نگرش اسلامی.....
۳۳	افول فمینیسم.....

۳۴ پیامدها و دستاوردهای فمینیسم
۳۴ دستاوردهای مثبت
۳۵ دستاوردهای منفی
۳۷ فصل دوم: زنان در گذر تاریخ جهان و ایران تا فمینیسم انقلاب اسلامی
۳۸ مدارسالاری
۳۹ زنان و جایگاه آنان در جامعه کهن بدوی
۴۰ تکامل اجتماعی و سقوط زن
۴۳ حکومت پدرسالاری
۴۵ حکومت مکمل زن و مرد
۴۷ حرمسرای: (مدینه های باستان) - قدرت مردانه یا زنانه؟
۴۹ جوامع شکارچی در دوران دیرینه سنگی و قبایل کوچ نشینی
۵۳ قرن پنجم (ماقبل فئودالی) تا قرن چهاردهم (رنسانس)
۵۴ زنان در دوران رنسانس و محدودیتهای قرن هفدهم و هیجدهم
۵۵ وضعیت زنان و جنبش آنان در قرن نوزدهم
۵۷ وضعیت زنان پس از جنگ (۱۹۴۵ - ۱۹۶۵)
۵۸ جنبش فمینیستی و وضعیت زنان در قرن بیستم
۵۹ مشروطه و احقاق حقوق زن ایرانی
۷۴ فصل سوم: زنانگی و نقد فمینیستی
۷۵ تصویر زن و نقد آن در گذشته
۸۲ ادبیات زنانه و نقد معاصر
۸۷ ادبیات زنانه در مسیر آثار ادبی و هنری (رمان و داستان)
۹۹ فصل چهارم: فمینیسم در آثار شهرنوش پرسی پور
۱۰۰ زندگی و آثار شهرنوش پرسی پور
۱۰۲ آثار شهرنوش پرسی پور به لحاظ محتوایی و ساختاری
۱۰۷ فمینیسم در داستان ها و رمان های شهرنوش پرسی پور
۱۰۸ زن و سنت و نوگرایی
۱۱۳ زن و جنسیت و زبان
۱۴۲ زن و اجتماع و همزیستی
۱۵۷ زن و رسوم و عقاید
۱۶۵ زن و عشق و احساس

۱۷۷ زن و خانواده.....
۱۹۸ زن و اقتصاد و اشتغال و رفاه.....
۲۰۶ زن و سیاست.....
۲۱۲ زن و آزادی.....
۲۳۳ زن و هوت و شخصیت.....
۲۵۰ زن و اندیشه و آموزش.....
۲۶۲ فصل پنجم: سخن آخر و نتیجه گیری.....
۲۶۳ سخن آخر.....
۲۶۵ نتیجه.....
۲۶۹ منابع و مآخذ:.....
۲۷۷ پیوست ها.....

۱-۱- مقدمه

تاریخ به شهادت خویش، در طول قرن‌ها، بویژه پیش از مشروطیت، تاریخی مذکر بوده است؛ یعنی تاریخی که همیشه مرد، در صدر ماجراها قرار داشت و اجرای حکومت، عدل و عطف با نظر مرد صورت می‌گرفت. البته در انقلاب مشروطه نیز برای احقاق حقوق زن کاری صورت نگرفت و زن اجازه‌ی نقش‌آفرینی نیافت و به همین خاطر از عوامل مونث در این تاریخ چندان خبری نیست. این زبونی و کوچک شماری زن با آن قصه‌ی درازش، منحصر به منطقه و فرهنگ خاصی نیست. روح مردسالاری از گذشته‌ی دور تا نزدیک هنوز هم، در بخش اعظم جهان حاکم است. بسیاری از جوامع پدرسالار که از زن تصویری معکوس ساخته‌اند تا آنجا که مرد، آفریده‌ی خداست و بانی خیر و زن مظهر و مخلوق شیطان.

به طور کلی در چشم انداز تاریخ حیات اجتماعی انسان، سیمای زنان با هاله‌ای از مظلومیت و تحقیر و توهین از طرف جنس مخالف خود همراه است و شدت این تحقیر در بعضی از جوامع و آثار فرهنگی گذشته به حدی است که گاه شأن این موجود مکمل و مساوی مرد را حتی تا سطح حیوانات پایین آورده است. توصیفات‌ی چون «نه جوجه را مرغ می‌نامید و نه زن را انسان» (رجب زاده، ۱۳۷۹: ۱۰) گواه این مطلب است. و یا نظر نیچه در مورد زن این است که توصیه می‌کند «به سراغ زنان می‌روی؟ تاریانه را فراموش نکن» (حجازی، ۱۳۸۱: ۲۳)

جای شگفتی‌ست که بسیاری از بزرگان جهان در نهایت بی‌انصافی و خشونت این قشر ستم‌دیده را زیر سُم نكوهش‌ها کوبیده‌اند، در حالی که طبیعت زن نه پست‌تر از مرد است و نه همانند او، بلکه این دو در زندگی و اجتماع مکمل یکدیگرند. در دور دست زندگی، زنان قصه‌گویان و لالایی‌خوانان گهواره‌ی بشری بودند و آگاه ساختن کودکان خود را در روایت داستان و قصه می‌جستند و چون شهرزاد، نجات بخش جان خویش می‌شدند.

زمانی که روایات سینه به سینه، به قلم در آمد، دیگر زنان راویان قصه‌ها نبودند، بلکه خلاقیتِ قلم در خدمت و قدرت مردان قرار گرفت. داستان‌هایی که مردان داستان‌نویس نگاشته‌اند، بنابر طبیعت زندگی‌شان، قلمرو همزیستی مردان و زنان جامعه‌ی پیرامون آنها بوده است. این داستان‌نویسان در آفرینش نوشته‌ها، خلق و خوی خود و همجنسان خویش را معیار قهرمانانی قرار می‌دادند که می‌آفریدند، و در آفرینش قهرمانان زن، همواره این مشکل اساسی وجود

داشته که «به واسطه» از جانب زنان سخن می‌گویند و این «واسطه» بیان‌کننده افکار و احساسات آنها بوده است. این واسطه‌ها از اصالت داستان‌های واقع‌گرایانه آنان کاسته است.

یکی از ارمغان‌های آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی در عصر بیداری و آستانه‌ی مشروطیت، طرح مسأله‌ی زن به شیوه‌ی نوین آن بود که با لزوم تعلیم و تربیت برای زن و مرد، همزمانی داشت. بنابراین حضور زنان در عرصه‌ی زندگی و به تبع آن در میدان آثار ادبی به گونه‌ی جدید مطرح شد. زنانی که در جستجوی فردیت خویش برآمدند و از غربت خود در دنیای خشن رنج می‌بردند، برای شکستن قطعیت‌های فرهنگ مردسالار شروع به نوشتن کردند.

محدودیت‌های اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی، فضا را برای آفرینش زنانه تنگ کرده بود. تا سال ۱۳۱۰ که داستان‌نویسی ایران سالهای آغازین خود را می‌گذراند و مردان کمی در این عرصه قلم می‌زدند، نام هیچ زنی در تاریخ داستان‌نویسی نیامده است. فخر آفاق پارسا نمونه‌ی زنی است که دور از چشم دیگران به مدرسه می‌رفت. در سالهای نخستین نویسندگی، بخت و فرصت عمدتاً از آن کسانی بود که وابسته به خانواده‌های ممتاز بودند؛ از جمله می‌توان به کسانی چون فاطمه سیاح، زهرا خانلری و سیمین دانشور اشاره کرد. اینان به عنوان نویسندگان نسل اول زن، در پی علل ضعف روحیه‌ی ایجاد کردن و خلاقیت ادبی در نویسندگی، ضمن توجه به شرایط اجتماعی، علل بیولوژیک و منع‌های بازدارنده‌ی سنتی و مذهبی را هم از نظر دور نمی‌دارند.

به طور پیگیر در سالهای بعد که سالهای شکوفایی ادبیات و هنر معاصر است، به تعداد بیشتری از زنان نویسنده بر می‌خوریم. زنان با اتکا به وضعیتی که در جامعه به دست آوردند، به تدریج جایگاه ادبی خاص خود را پیدا می‌کنند. بنابراین ساختار داستان‌نویسی زنانه‌ی ما ناشی از بحران رشد است، زیرا در کنار بسیاری از داستان‌های کوتاه و معدود رمان‌های خواندنی، با حجم قابل توجهی از آثاری مواجه می‌شویم که از نظر شکل و مضمون، چیزی به داستان‌نویسی نیفزوده‌اند.

به نظر می‌آید صدای نویسندگان زن در سالهای انقلاب اسلامی و پس از آن، رساتر از گذشته به گوش می‌رسد. اینان را می‌توان زبان حال زنانی دانست که در مرحله‌ای از تحول تاریخی-اجتماعی، به درک و شناختی تازه از هویت و موقعیت خود در جامعه رسیده‌اند. داستان‌نویسان زن، به ویژه در دهه‌های اخیر، به مشکل و جایگاه زن ایرانی در یک مرحله‌ی تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازند و تلاش برای خودیابی را با انتقاد از جامعه‌ی مردسالار در می‌آمیزند که زنان را در حجابی از باید و نبایدها محبوس می‌کند.

در دوره‌ی معاصر با ورود زنان به عرصه‌ی خلاقیت‌های ادبی، نوع دیگری از داستان‌نویسی پدیدار شد که خالق قهرمانان آن زنان هستند. اما اینان در تجربه‌های زندگی برای خلق و توصیف شخصیت‌های گوناگون، با آزادی عمل چندانی روبرو نبوده‌اند. خلاقیت این گروه از نویسندگان جنس دوم، در این مسیر، بیشتر خانگی بوده و در برابر اندیشه‌ی محدود جامعه، عاطفی‌نمایش داده می‌شوند. چنانکه می‌بینیم، امروزه به تعداد زنان نویسنده در همه‌ی جنبه‌های نویسندگی بخصوص داستان و رمان و خاطره، افزوده شده و شخصیت‌پردازی قهرمانان زن نیز در آثارشان از مباحث پر جاذبه‌ای است که نقد «اصالت زن» و «فمنیسم» به آن می‌پردازد.

اما در بررسی عوامل و ویژگی‌های نویسندگی زنان که شهرنوش پارس‌پور نماینده‌ی آنهاست، در این زمینه بسیار مهم و ضروری است و دانستن این مسأله، راه را برای چنین مطالعاتی هموار می‌کند و گامی ست برای شناخت بهتر و دقیق‌تر این گونه‌ی ادبی و نقد فمینیستی در جهت فهم ساختار و محتوای آن.

روش ما در این پژوهش بر هیچ روش دیگری در این زمینه منطبق نیست و در تشریح، توصیف و دسته‌بندی عناوین به تمامی آثار و برترین اثر پارس‌پور و گفته‌هایشان نظر داشته و ذیل عناصر اصلی به ذکر عوامل دیگر که در مجموع در فصول نخستین آمده پرداخته ایم.

این پژوهش مشتمل بر پنج فصل است. در فصل اول مکتب فمینیسم، تاریخچه و شاخه‌های آن را عنوان می‌کنیم. فصل دوم به پیشینه‌ی فمینیسم در جهان و ایران اختصاص دارد. نقد فمینیستی و زنانگی در فصل سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل چهارم که بخش عظیمی از پژوهش ماست، به فمینیسم در آثار شهرنوش پارس‌پور پرداخته می‌شود. و نهایتاً فصل پنجم، نتیجه‌گیری، منابع و مآخذ این پژوهش را در بر می‌گیرد.

۱-۲- بیان مسأله

فمینیسم، جنبشی است که برای اولین بار در غرب پدید آمد و در مسیر حرکت خود به امواج، نظریه‌ها و شاخه‌های گوناگونی تقسیم گردید. اگر چه در طول تاریخ با نقطه‌ی تاریکی در این زمینه روبرو هستیم، اما نخستین جرقه‌های دفاع از حقوق زنان در ایران را در انقلاب مشروطه می‌بینیم. پس از آن هم شاعران و نویسندگان بسیاری در جهت سامان بخشیدن به موضوع فمینیسم کوشش نمودند و حتی برخی از آنان به خاطر انتقادهایی که می‌کردند، از جان خویش گذشتند.

مردانی که روایتگر اوضاع زندگی زنان بودند، به هیچ وجه نتوانستند چهره‌ی واقعی یک زن را در بیان خواسته‌ها، احساسات و عواطفش به تصویر بکشند. در نتیجه با ورود زنان در عرصه‌ی نویسندگی و خلق آثار برجسته‌ای درباره‌ی وضعیت خود، مسیر دیگری را طی کرده و بیش از پیش به مراتب بالاتری نائل آمدند. یکی از این زنان، شهرنوش پاریسی پور است که در آثار خود به نقش و طرح مسائل زنان و مادران ایرانی می‌پردازد. در این پژوهش سعی بر آن قرار گرفته است با تکیه بر مباحث و عناصر اصلی فمینیستی در ایران، به شرح و توصیف عناوین مهم فمینیسم در آثار شهرنوش پاریسی پور پرداخته می‌شود.

۱-۳- پیشینه و اهمیت انجام تحقیق

در زمینه‌ی فمینیسم و مضامین پیرامون آن، کتاب‌های بسیاری از دیدگاه فرهنگ‌های مختلف به چاپ رسیده است. در همین موضوع می‌توان از «فمینیسم و مردم‌شناسی» و «آزادی زنان» از ایولین رید و مجموعه مقالات «فمینیسم و دانش‌های فمینیستی» ترجمه‌ی عباس یزدانی و بهروز جندقی یاد نمود. در سیر تحول تاریخی و اجتماعی فمینیسم، می‌توان به «جنبش‌های اجتماعی زنان» نوشته‌ی آندره میشل و کتاب «مکتب اصالت زن در نقد ادبی» از محمود حسن‌آبادی، «شاهنامه و فمینیسم» از مهری تلخابی، «زن به ظن تاریخ» نوشته‌ی بنفشه حجازی و «جنبش حقوق زنان در ایران» اثر الیز ساناساریان اشاره کرد.

در زمینه‌ی زنان و ادبیات فرهنگی، زنان و نویسندگی نیز کتابهایی چون «زنان و رمان» از رزالیند مایلز، «زنان و ادبیات» به اهتمام و ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی و همچنین «تبلور هویت زن در رمان» از فرشته داور، و آثاری مانند «مروری کوتاه بر داستان‌نویسی زنان ایران پس از انقلاب» نوشته‌ی فرنگیس حبیبی، «زن در ده سال داستان‌نویسی انقلاب اسلامی» اثر زهرا زواریان، کتاب‌هایی هستند که راجع به وضعیت جدید زنان و نویسندگی آنان در ایران نوشته شده‌اند.

اما از نوشته‌هایی که در عرصه‌ی فمینیسم در آثار نویسندگان زن ایرانی می‌توان برشمرد، «زنان در داستان» نوشته‌ی نرگس باقری و پایان‌نامه‌ی «سیمای زن در ادبیات داستانی» از فریبا عابدین‌نژاد (دانشگاه تربیت مدرس) و «نقد روانشناختی داستان‌های منیرو روانی پور» از نعمت‌الله کرم‌پور (دانشگاه سیستان و بلوچستان) است. باید گفت تنها اثری که در مورد شهرنوش پاریسی پور نگارش یافته، «نقد و بررسی آثار شهرنوش پاریسی پور»، پایان‌نامه‌ای است از حسن حدادی (دانشگاه تربیت مدرس).

در زمینه‌ی این پژوهش، مقالاتی همچون «نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور» از کاوس حسن لی و مقالات آقای شهریار زرشناس و مسعود رشیدی درباره‌ی موقعیت زن در ایران و موضوعاتِ از این دست را باید نام برد که در این مجموعه از آنها استفاده گردیده است.

تا کنون هیچ پژوهشی به طور مستقل به بررسی فمینیسم در آثار شهرنوش پاری پور، به ویژه نقد فمینیستی آن نپرداخته، و همین عامل اهمیت این پژوهش را در کنار دیگر آثار دو چندان می‌کند. لذا این پژوهش به مطالعه دقیق فمینیسم و توضیح و توصیف عناصر و عوامل فمینیستی در ایران و پیرامون آن می‌پردازد.

۴-۱- اهداف تحقیق

هدف کلی از این پژوهش، گسترش دانش عمومی و آشنایی با سیر تحول فمینیسم در ایران و جهان و مقایسه‌ی مختصر میان نویسندگان این مکتب و همچنین شناساندن هر چه بیشتر اندیشه‌های فمینیسم و عناصر مهم آن در شخصیت و آثار پاری پور می‌باشد. شناخت مسائل فمینیستی نویسندگان همراه با پیشینه‌ی تاریخی-اجتماعی و ذکر حرکت‌های پیرامون آن، از دیگر اهداف این پژوهش است.

اهداف فرعی:

- ۱- شناخت تفاوتها و شباهتهای فمینیسم ایرانی و فمینیسم غربی
- ۲- آشنایی با عناصر مهم و موثر نویسندگان زن در داستان، رمان و گونه‌های دیگر
- ۳- فراهم آوردن مجموعه‌ای مفید جهت دسترسی محققان و دانشجویان علاقه‌مند به پژوهش در زمینه‌ی فمینیسم در آثار نویسندگان
- ۴- تاثیرپذیری نویسندگان از یکدیگر و میزان تاثیرگذاری آنان بر فرهنگ یک ملت

۵-۱- سؤال‌های تحقیق

اولین نکته در هر پژوهش، سؤالی است که ذهن پژوهشگر را به خود مشغول می‌دارد و او را وادار می‌کند تا در مورد شناخت، توضیح و حل آن بیندیشد. مهم‌ترین سؤال‌ها در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- آیا فمینیسم در جریان کلی خود، در هر دوره‌ای متفاوت ظاهر شده است؟
- ۲- جنبش فمینیستی که از اروپا آغاز گردید، چه تاثیراتی را بر فضای اجتماعی و فرهنگی ایران گذاشت؟
- ۳- فمینیسم ایران چگونه فمینیسمی است و شروع حرکت آن به این معنا از چه زمانی است؟

۴- در فمینیسم پارسی پور به چه مسائلی پرداخته می شود؟

۵- بازتاب اندیشه‌ی پارسی پور در کنار دیگر نویسندگان زن چگونه بوده است؟

۶- پارسی پور در انتخاب قهرمانان و شخصیت های زن خود چگونه عمل می کند؟

۱-۶- فرضیه های تحقیق

۱- فمینیسم و شاخه های آن در مسیر خود در هر دوره ای، با جنبش های گوناگونی روبرو بوده است.

۲- ایران با فمینیسم غربی و عدم شناخت درست آن، به گونه ای دیگر از فمینیسم دست یازید که در اجرای آن چندان موفق نبود.

۳- فمینیسم ایران، فمینیسمی ایرانی- شرقی است و هدفش تعادل حقوق بین زن و مرد می باشد. شروع این نوع حرکت را تقریباً انقلاب مشروط می دانند و از این به بعد منتقدین بسیاری در این راه قلم فرسایی می کنند.

۴- شهرنوش پارسی پور بیشتر بر نسلها(ستیز بین آنها) و جامعه ای که این نسلها را در خود می پرورد تکیه می کند. او به خود زن بودن اهمیت می دهد. در آثار او فردیت و هویت، مباحث جنسی، عقاید و پیچیدگی های زنانه نقش اساسی دارند.

۵- پارسی پور در کنار دیگر نویسندگان زن، مسائلی را در خصوص زندگی زنان مطرح می کند که بعضی از آنها حاصل اندیشه و توجه خود اوست. او در این اندیشه بیشتر به تابوها و مسائل متافیزیکی می پردازد.

۶- پارسی پور از آنجا که زنانه می نویسد و از زن بودنش تاثیر می پذیرد، شخصیت های وی اغلب از میان طبقه‌ی نویسندگان انتخاب می شوند. این مسأله شامل شخصیت های اصلی داستانهای اوست که به روحیه و فضای پارسی پور نزدیک است.

۱-۷- روش انجام تحقیق

در این پژوهش، نخست جهت جمع آوری اطلاعات و مبانی نظری تحقیق، از کتابها، پایان نامه ها و مقالات موجود در کتابخانه های کشور از جمله کتابخانه های عمومی شهر و دانشگاه تهران، اصفهان، قم و دانشگاه سیستان و بلوچستان، مشهد و سایت های علمی استفاده گردید.

پس از شناسایی منابع در بررسی فمینیسم و عناصر آن، ابتدا کتابها، مقالات و نقدهای گوناگونی که در این موضوع نوشته شده است مطالعه شد و سپس بر اساس توضیحات و عوامل شناخته شده آنها، به مطالعه ی دقیق تر آثار

پارسی پور همت گماشته، نکات مهم آن استخراج و همراه با پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، به تشریح عناصر فمنیستی او صورت گرفت؛ آنگاه به فصل‌ها و بخش‌های دیگر دسته‌بندی گردید. در پایان پس از مشورت و استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور و همچنین دوستان، به تحلیل نهایی و انسجام بخشی و نگارش این مجموعه پرداخته شد.

فصل اول:

مکتب فمنیسم و شاخه های آن

فمینیسم و مکتب آن

فمینیسم شماری از جنبش‌ها، نگرش‌ها و فلسفه‌های اخلاقی وابسته به نابرابری‌های جنسیتی را در بر دارد. همچنان به عنوان ایدئولوژی‌ای توصیف می‌شود که بر برابری جنس‌ها تمرکز می‌کند. «اصولاً مکتبی است که فرودست بودن زنان را قابل چون و چرا و مخالفت می‌داند و این مخالفت مستلزم بررسی انتقادی موقعیت کنونی و گذشته‌ی زنان و چالش با ایدئولوژی‌های مردسالارانه‌ی حاکم است که فرودستی زنان را طبیعی و همه‌گانی و اجتناب ناپذیر جلوه می‌دهد. فمینیسم به معنی مورد تردید قرار دادن تقسیم کار در جهان است که مرد را مسئول حوزه‌ی عمومی، یعنی کار، جنگ، دولت و... قرار داده، در حالی که زنان با جان‌کندن و بیکاری در خانه تمامی فشار و بار زندگی را به دوش می‌کشند.» (تلخایی، ۱۳۸۴: ۴۵) و کسانی را که طبق این نظریه‌ها فعالیت می‌کنند، و به گونه‌ای طرفدار زنان هستند، چه مرد و چه زن، «فمینیست» می‌گویند.

به طور کلی، تلاش فمینیسم بر آن است که زنان را برای رهایی از ساختارهای سرکوبگر جامعه مجهز کند. فمینیسم گستاخانه، با ادعاهای کلی درباره‌ی حقیقت به چالش بر می‌خیزد و به بازسازی تاریخ می‌پردازد. بنابراین علت اصلی ظهور فمینیسم، در واقع ظلم و ستمهایی است که نسبت به زنان اعمال می‌شود و زنان را از حقوق طبیعی خود نیز محروم می‌کند.

اصولاً فمینیستها سؤالیهای بنیاده‌ای را مطرح می‌کنند و این سؤالاها در حوزه‌ی تمام علوم و معارف قابل طرح است:

۱- درباره‌ی زنان چه می‌دانیم؟

۲- زنان در تحقیقات انجام گرفته کجا هستند؟

۳- در صورت نبودن در صحنه، دلیل غیبتشان چیست؟

۴- در صورت حضور، مثلاً در ادبیات دقیقاً چه می‌کنند؟

۵- چرا وضع زنان به این صورت در آمده است؟

۶- چگونه می‌توان جهان را دگرگون کرد و بهبود بخشید؟

برای پاسخ بهتر باید مجموعه‌ی جدیدی از نظرات و تجربیات همه‌ی انسانها را اعم از زن و مرد در اختیار داشته باشیم. باید نظرات و تجربیات «نیمه‌ی دیگر جهان» یعنی زنان را در نظر بگیریم، آنگاه به توضیح و تشریح پدیده‌های تجربی